

سومین کشتار جمعی بزرگ به فاصله کمتر از یک سال پس از امضای قانون افزایش دامنه اسلحه داران رخ داد

غربی وحشی تر از همیشه

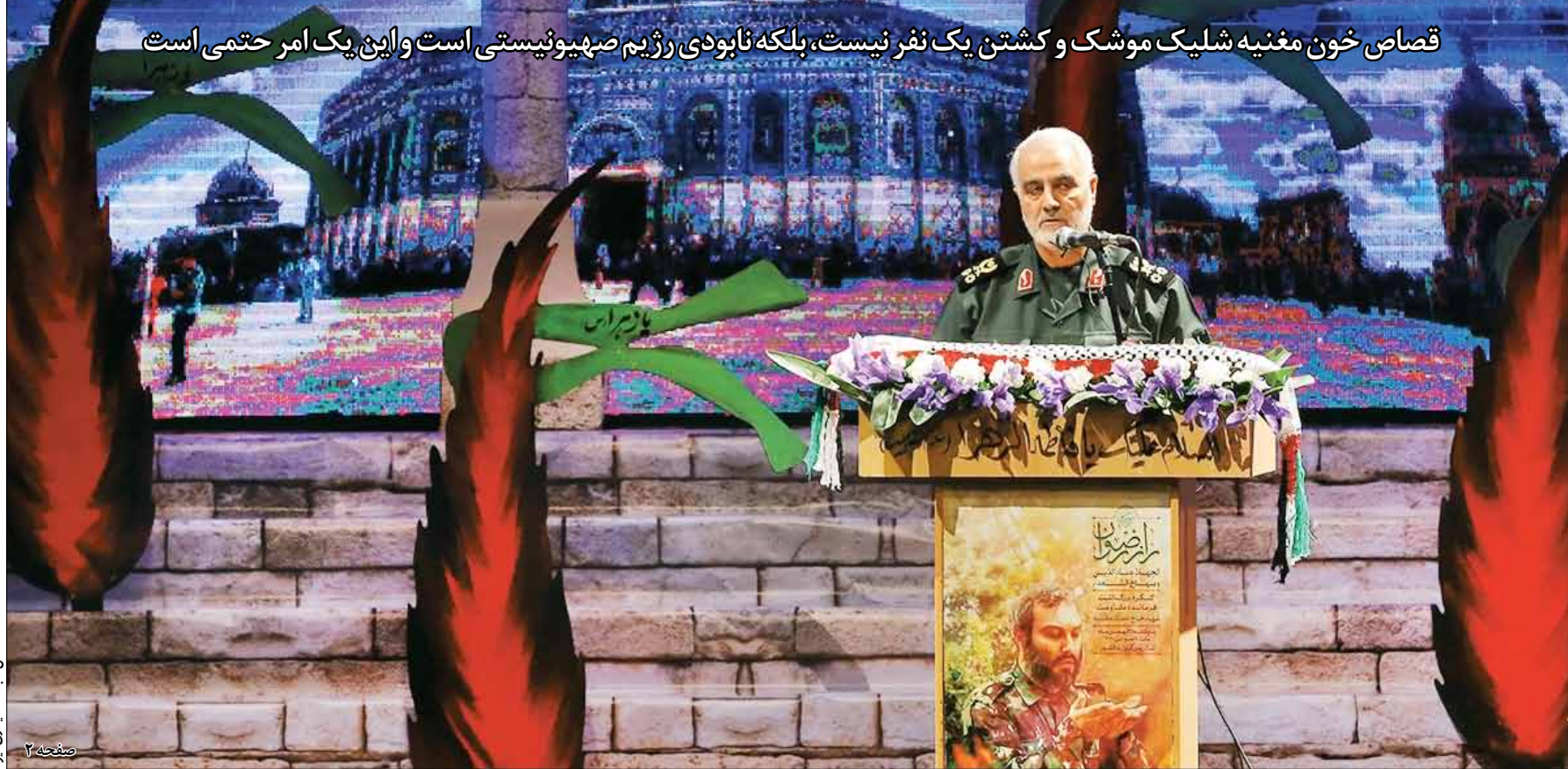
۱۷ کشته در تیراندازی دبیرستان «استونمن داگلاس» در فلوریدا

صفحه ۱۵

سر لشکر سلیمانی در مراسم دهمین سالگرد شهادت مغنیه برای نخستین بار از مجاهدت های مالک اشتر لبتان گفت

روایت حاج قاسم از حاج عماد

قصاص خون مغنیه شلیک موشک و کشتن یک نفر نیست، بلکه نابودی رژیم صهیونیستی است و این یک امر حتمی است



عکس: عبدالله خدیوی ایزد

تیتراهای امروز

دولت ترامپ در بیانیه ای خواستار رفع حصر فوری سران فتنه ۸۸ شد

پیوندتان مبارک

صفحه ۲

یاسخی به برخی شبهه افکنی های اخیر

بودجه شورای نگهبان مقایسه ۹۷ با ۹۶؟!

صفحه ۱۲

«وطن امروز» از سیاست های رفت و برگشتی بانک مرکزی گزارش می دهد

بازگشت به سود ۲۰ درصد

با مجوز بانک مرکزی، بانک ها برای فروش گواهی سپرده یک ساله با سود جذاب مسابقه گذاشتند

صفحه ۱۶

نصرالله: کل منطقه در کانون جنگ نفت و گاز قرار گرفته است

صفحه ۵

وقتی کار تخوان مطب ها کار نمی کند

لایه کشی پزشکان از پرداخت مالیات

صفحه ۴

روزنامه

واژه سازی «سینمای ارگانی» پوششی برای «پول های باد آورده و سینمای سفارشی»

به تیراژها دقت کنید!

احسان سالمی: یکی از بحث های این روزهای سینما، پیرامون القاطی چون سینمای مستقل، سینمای ارگانی و... می چرخد اما چه کسی تعریف مشخصی از سینمای مستقل دارد؟ از سینمای ارگانی چطور؟ ساختن فیلم نیاز به سرمایه دارد. ممکن است این سرمایه در اختیار نهادهایی با تعریف و کارکرد مشخص باشد و ممکن است شرکت های فیلم سازی که پس از یک سرمایه گذاری طولانی مدت در سینما و طی کردن فرآیند هزینه، پخش و آورده، به نقطه ای از تعادل می رسند و سوددهی مالی رسیده باشند هم سرمایه گذاری کنند. سینما البته میماند های ناخوانده ای دارد که نه نهادهای حاکمیتی موظف به تولید هستند و نه شرکت های فیلم سازی. خودشان هستند یا رابطه هایی که دارند. از بانک های خصوصی متعدد که در غفلت دولت سربرآورده اند تا شرکت های پربولی که در جامعه مصرفی امروز می توانند یک شبه به سرمایه های کلان میلیاردی برسند. اما این شرکت ها در اختیار چه کسانی است؟ عمدتاً اقاردهایی هستند که پول های بساد آورده را به سینما می آورند. پول بساد آورده، نظام مالی و حقوقی سینما را به هم می ریزد. با پول بساد آورده دستمزدهای بازیگران و عوامل فیلم کلان تر می شود. پول بساد آورده به برخی می رسد و به برخی نمی رسد. معمولاً خوش نقش و نگارها و استارها و سلبریتی ها بهره بیشتری از «پول بساد آورده» می برند. دست گروهی دیگر اما خالی می ماند. نهادهای سنتی سرمایه گذار در فیلم مانند فارابی بودجه محدود خود را میان همه «دست های خالی» تقسیم می کنند. نتیجه این مدل تقسیم پول توسط فارابی هم مشخص است. سینمای کم مخاطب و بی بهره از گیشه. سرمایه فارابی بازمی گردد و سینمای دولتی متکی به پول نفت، لنگان لنگان مسیر شکست خورده پیشین را ادامه می دهد. در آن سو اما ورود اقاردها چرخه «سینما-مخاطب» را بهتر از نهادهایی مثل فارابی می چرخاند، چرا که سازوکارهای یک فیلم بفروش را با «پول های بساد آورده» فراهم می کند؛ قسه های خوبی که سال ها توسط نهادهای سینمایی پس زده شده اند به علاوه ستاره های سینما و کارگردانی که اسم در کرده اند. اسمش را گذاشته اند سینمای مستقل اما مستقل از چه؟ مستقل از پول نفتی که با واسطه در اختیار اقاردها قرار می گیرد؟

ادامه در صفحه ۵

برائت از «منیت» شرط انقلابی گری

حسین قدیانی

نگاه امروز انقلاب اسلامی روز ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید، نه به پایان! حتی روز ۱۲ فروردین ۵۸ هم هرگز انقلاب اسلامی تبدیل به جمهوری اسلامی نشد، بلکه جمهوری اسلامی میوه انقلاب اسلامی شد! انقلاب اسلامی، نهضتی ادامه دار است که با رفتن شاه و آمدن امام و پیروزی و روز جمهوری اسلامی و یوم الله سوم خرداد و فتح فاو و پایان جنگ تحمیلی و متجاوز خواندن صدام و راهپیمایی تماشایی ۲۲ بهمن ۹۶ تمام نمی شود! پس هم انقلاب ادامه دارد و هم انقلابی بودن ما! از قضا، ما از دریچه همین انقلابی گری است که بدی های دولت ها را متذکر می شویم! گاهی در لابه لای نوشته های بعضی ها، کاملاً حس می کنم که چقدر عصبانی از این امر هستند که ۲۰ سال بعد از انقلاب اسلامی، هنوز هم از محاربان که خیر سرشان دنبال انقلاب-بخوانید براندازی- هستند، با عنوان «ضدانقلاب» یاد می شود، نه «انقلابی»! و حالا بهتر می فهمم چرا خمینی و خاتمی این همه تأکید داشته و دارند بر حفظ روحیات انقلابی! حفظ روحیات انقلابی اما تنها به قبول داشتن قانون نیست! این درست که هرج و مرج و تمرد از قانون و فی المثل لگزدن به سازوکار انتخابات و اعلام پیروزی، در حالی که هنوز رأی گیری تمام نشده، از مصادیق ضدانقلابی گری است، لیکن قانون گری، تنها یکی از مؤلفه های انقلابی گری است، نه همه آن! حسن روحانی در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، جمله حقیقتاً قصاری گفت: «هر که قانون را قبول دارد، انقلابی است»! ایشان البته مثلاً می خواست بر شعاع انقلابی ها اضافه کند که فی نفسه کار خوبی است اما ناظر بر مسائل روز و البته دیروز، کاش جمله خود را جور دیگری ایراد می کرد! اگر تنها ملاک انقلابی بودن، قبول داشتن قانون باشد، قطعاً نمی توان انقلابی خواند کسانی را که سال ۸۸ اعتراضات خود را به جای مجاری قانونی، از کانال فتنه و آشوب و دروغ و آبروریزی پیگیری کردند! با همین معیار، بازنده های ۲ انتخابات ۹۲ و ۹۶ که اعتراض خود را آن هم ناظر بر آن همه تخلف گسترده بی سابقه، جز از راه قانون دنبال نکردند، می توانند مسرور باشند که انقلابی هستند اما همانطور که اشاره شد، قانون گری فقط یکی از شاخصه های انقلابی گری است! من در این نوشته، دست می گزارم بر شاخصه های دیگر که «تولی و تبری» باشند! بدون ولایت و بدون برائت، مردم گریایی تبدیل می شود به مردم نمایی

ادامه در صفحه ۵

انفعال اروپا مقابل سندهای آمریکا

محمدسجاد حسین پور

تا دیروز از «توان هسته های آمریکا» تحت عنوان «قدرت هسته های آمریکا» یاد می کردند، امروز «توان هسته های آمریکا» را به مثابه «تهدید هسته های آمریکا» می دانند. چرایی این مساله کاملاً مشخص است: تا قبل از دوران ریاست جمهوری ترامپ، ایالات متحده آمریکا مناسبات هسته های خود و اتحادیه اروپایی را در قالب «قدرت تشویقی» سامان داده و منافع مشترکی را به صورت پشت پرده و آشکار او البته با لایه های غیرقانونی در آژانس بین المللی انرژی اتمی تعریف می کرد. این رویکرد تشویقی، اروپا را مجاب کرده بود نه تنها درباره «خلع سلاح هسته های آمریکا» سخنی نکند، تحقیر هسته های اروپا توسط آمریکا، نتیجه بین الملل-مانند جمهوری اسلامی ایران- سخن از لزوم خلع سلاح هسته های قدرت های بزرگ به میان آورد، با آن مقابله کند. با این حال هم اکنون دولت ترامپ قصد دارد معامله هسته های اروپا را در مسیر و مجرای «قدرت تنبیهی» خود هدایت کند. تحقیر هسته های اروپا توسط آمریکا، نتیجه بازی مستقیم بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپایی و خصوصاً تروئیکا در زمین ایالات متحده بوده است. هم اکنون اتحادیه اروپایی با نگرانی بسیار، زمان حال و آینده را مورد رصد قرار می دهد. آنها خود نیز دقیقاً نمی دانند ترامپ قصد دارد بر سر توسعه سلاح های هسته های خود چه عملیاتی با دولت های اروپایی انجام دهد اما مسلماً این معامله، دوستانه و بر اساس منفعت مشترک و متقابل نخواهد بود!

در نهایت اینکه تحقیر هسته های اروپا توسط آمریکا، بار دیگر نشان داد واشنگتن حتی به نزدیک ترین شرکای خود نیز متعهد و وفادار نیست و بر راحتی تاکتیک های خود را در نظام بین الملل به زبان آنها تغییر می دهد. این موضوع خود نشانه ای گویا و آشکار دال بر پایان تاریخ مصرف «عتماد به آمریکا» در نظام بین الملل است. بدون شک افرادی مانند «ریگم گابریل» و وزیر امور خارجه آلمان و دیگر مقامات اروپایی هم اکنون سینه پروردی از واشنگتن دارند و در آینده، سخنان زیادی را در این باره بیان خواهند کرد.

دیدگاه «قدرت» مقوله پیچیده ای در علم روابط بین الملل محسوب می شود. برای این واژه تعاریف مختلفی از سوی جامعه شناسان و تحلیلگران و استراتژیست ها ارائه شده است. شاید در یک تعریف ساده بتوان «قدرت» را توانایی تحمیل اراده یک بازیگر به بازیگر دیگر یا دیگر بازیگران در نظام بین الملل دانست. همچنین درباره «قدرت»، تقسیم بندی های مختلفی وجود دارد. در یک نگاه کلی، می توان قدرت را به ۳ دسته «قدرت تشویقی»، «قدرت تنبیهی» و «قدرت اقناعی» تقسیم کرد. در قدرت تنبیهی، ابزارهای «سلبی» برای تغییر رفتار بازیگران موضوعیت دارد و «تس» از اقدام تنبیهی «اعمال کننده قدرت سبب می شود بازیگر یا بازیگران دیگر، به تصمیم و موضع آن تن دهند. در «قدرت تشویقی»، روش ها و ابزارهای ایجابی موضوعیت داشته و در «قدرت اقناعی»، تلاش برای اقناع ذهنی و ارادی دیگر بازیگران، اصلت دارد.

ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ روابط بین الملل، از انواع این روش های سه گانه برای اعمال قدرت خود در نظام بین الملل استفاده کرده است. با این حال «قدرت اقناعی» کمتر در حوزه سیاست خارجی آمریکا کاربرد دارد. بر این اساس واشنگتن سعی دارد قدرت خود را با استناد به ۲ مقوله «تهدید» یا «تشویق» بر دیگر بازیگران نظام بین الملل تحمیل کند. در این معادله، جایگاه کشورهای اروپایی بسیار است. واشنگتن همواره سعی داشته است با «تعریف اهداف همسود و مشترک» و با استفاده از ابزارهای تشویقی، اروپا را به همگامی با خود در حوزه های سیاسی، تجاری، اقتصادی و امنیتی وادار کند. با این حال در مواردی نیز آمریکا، اروپا را نسبت به «اعمال سیاست های یکجانبه» و «تحمیل هزینه های سخت» تهدید کرده است. مانند اتفاقاتی که در دوران ریاست جمهوری «جرج واکر بوش» رئیس جمهور سابق آمریکا بویژه در بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ رخ داد. بنا بر این اوصاف، در مجموع تاکنون آمریکا در قبال اروپا سعی کرده است از «قدرت

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

www.vatanemrooz.ir